



این روزنامه هر ماه یک بار
در ۱۶ صفحه نشر میشود

عنوان مراسلات

Redaktion Kaveh:
Berlin-Charlottenburg,
Leibnizstr. 64

قیمت اشتراک

موقتاً (تا عودت میزان پول بجات طبیعی)

| سالانه | هر شماره |
|----------------------------|----------|
| در ایران ... ۲ تومان | ۲ قران |
| در آلمان ... ۴۰ مارک | ۴ مارک |
| در سایر ممالک ... ۲۰ فرانک | ۲ فرانک |

کافه

۱۳۲۴

۱۴ مهر ماه قدیم ۱۲۸۹ یزدگردی = غره جمادی الآخره ۱۳۳۸ = ۲۱ فوریه ۱۹۲۰ • Neue Folge • Nr. 2 • Jahrg. 5

دورنمای ایران

مطالعه جراید

خارجی از کواکب ثابتہ موجود و مرئی نبود که مارا ملتفت تغییر محل نسبت بان نقاط ثابت خارج از محیط دایره خودمان نماید. همینطور است امروز حالت اخلاقی و علمی در ایران که اگر خوشبختانه یک نقطه نورانی ثابتی در مغرب زمین که خارج از دایره حکم خوانین ایران و دور از دست رس و (بقول خودشان) بتسطید قاضیان کفر و ایمان و حق و ناحق و صواب و خطا (باحق انحصار) میباشد موجود نبود داو طلب اثبات کرویّت زمین یا وجود امریکا یا قبح برده فروشی در نظر گلبایگان بواسطه اجماع مسلمین (که از ادله اربمه اصول است) برخلاف او و خجالت در محضر شرع و عرف بالاخره دیوانه میشد.

همین سبب است که ما میخواهیم گاهی در زیر عنوان فوق بعضی احساساتی را که ایرانی در اروپا از اخبار مملکت خودش حاصل میکند بنگاریم و در این باب هیچ غرضی نداریم جز بیداری هموطنان خصوصاً صدای غایب و دور افتاده و بیغرضی که مانند صدای اموات خارج از قبر مبرا از شائبه بوده و مؤثر تواند شد.

اخبار اخیر که در جراید ایران دیده میشود بطور کلی و رویهمرفته دو علامت خوب نشان میدهد یکی سعی در برقراری امنیت و قطع ریشه

آن ایرانیان که دور از وطن خود و خصوصاً در فرنگستان و آمریکا مقیم هستند با کمال توجه و حساسیت زیاد چشم بسوی اخبار مرز و بوم خود داشته و از خوبی و بدی آن اخبار شادمان و یا اندوهگین، سربلند و یا سرفراکنده میشوند. لهذا شاید احساسات این قسمت از انبای وطن که در میان بیگانگان زندگی میکنند اهمیتی در ایران داشته باشد و در نظر بعضی میزانی باشد برای تمیز حسن و قبح پاره‌ای کارها در یک سرزمینی که گاهی هیچ میزانی برای زشتی و زیبائی امور اجتماعی نیست و غالباً حسن و قبح اشیاء و امورها ذاتی نمیدانند. این خود یک نکته فلسفی است برای آن اقوام و هیئتهای اجتماعی که در داخل خود هیچ اساس محکم اخلاقی ثابت و میزان سنجش ندارد (و اگر هم داشته متروک شده است) و بهترین مکل برای آن شاید مسئله حرکت زمین است که سکنه آن مانند کرم توی سبب ممکن نبود حرکت را بفهمند اگر یک میزان و مقیاس ثابت

بیچارگان سعی دارند نشان بدهند ملت ایران بهیچ وجه وحشی و متعصب نیست ولی از آنطرف نه تنها رئیس کاکاوند بلکه والی پایتخت قدیم ایران عملاً آنرا تکذیب میکنند. اینک قطعه اقتباس از قول نماینده بزرگ ایران: اعلیحضرت همایونی در نطق خود در گیلد هال (اداره بلدیة لندن) در ۲۶ محرم ۱۳۳۸ چنین فرمودند: «من نماینده یک وضع و ترتیب جدید مبنی بر اساس حریت هستم که ملت من از آن وضع منتظر تجدید و اصلاح و احیای مملکت خود میباشد، آن تجدید و اصلاحی که تاحال بواسطه تقوذهای ناموافق جلوگیری شده بود.»

[نقل و ترجمه از روزنامه «تیس» لندن مورخه ۳ نوامبر ۱۹۱۹ میلادی]

قتل اجتماعی

بالآخره در ۱۸ جمادی الأولى ۱۳۳۸ عهد نامه صلح رسماً از طرف دول متفق تصدیق گردید و دیگر میتوان گفت که روزگار جنگ سپری شد و از نو صلح و آشتی که حالت طبیعی هیئت اجتماعی است برقرار گردید. مسئله اینکه آیا میشود که روزی نوع بشر برای تصفیه امور و رفع مرافعات خود محتاج باین نباشد که از هر طرفی هزارها بلکه کروورها اشخاص مسلح بزم ریختن خون و ویران نمودن کاشانه هم دیگر راه افتاده و آتش و خون بجان و مال هم بزنند و بوسیله قلع و قمع طرف ادعای خود را بخمال خود مشروع نموده و نتایج زحمت سالیان دراز فکر و کار یک قومی را عطل و باطل گذاشته و باسم اینکه فتح کردیم و دیگر در مملکت دشمن جز زنان بیوه و کودکان ناتوان جاننداری باقی نگذاشتیم شادمان و سرافراز بخانه خود برگردند، این مسئله از یک طرف طرفداران بسیار و از طرف دیگر معارضین زیاد دارد که هر کدام برای اثبات مدعای خود دلیلهای آورده و تحقیقاتی مینمایند که ذکر آنها خارج از مقصود ماست. از جمله طرفداران صلح که اعتقاد محکم دارند که جنگ هم مانند همه بقایای عهد و حشیگری بتدریج در مقابل ترقیات عوالم معنوی نوع بشر از میان خواهد رفت فلاماریون عالم و منجم مشهور فرانسوی است که در خیلی از کتابهای خود در خصوص سببات جنگ داد سخن را داده و در آن باب احصائیات عالمانه بسیار مفیدی ترتیب داده است و ما در اینجا محض نمونه بعضی از مطالب کتاب مشار الیه را که موسوم است به «آخر دنیا» بنظر خوانندگان میرسانیم:

فلاماریون را عقیده این است که جنگ پیش از قرن ۲۰ میلادی یعنی تا ۵۰۰ سال دیگر بکلی منسوخ خواهد شد و میگوید در قدیم الایام جنگ عموماً بین اهالی دهات بود و این گونه جنگها در قرن سیزدهم هجرت هم در افریقای مرکزی دیده میشد ولی چون آن درجه وحشیگری گذشت آن گونه جنگ هم بتدریج از میان رفت و دهات با هم مع شده و بنای تشکیل ایالتها گذاشتند و جنگ بین این ایالت و آن ایالت شروع شد مثلاً بین آتن و اسپارت، روم و قرطاجنه، پاریس و دیژن، لندن و ادسبورگ و غیره و تاریخ رو بهرفته عبارت بود از شرح این جنگهای بین ایالتی. ولی کم کم ایالتها هم بصورت مملکتها در آمد و بیرقها و سرحدات متاخره ایالتی از میان رفت و بیرقها و سرحدات دیگری جای آنها را گرفت و آنوقت مردم بنا کردند باینکه

دزدان و راهزنان و اشرار ولایات که یکی از بهترین مآثر این عهد است و در واقع باید دولت ایران را باین اعلان جنگ که بدزدان آشکار و رسمی کرده تبریک گفت و کامیابی و فتح او را در این جهاد امنیت برضد دودمانهای قطاع الطریق که از عهد سام نریمان و افراسیاب تا امروز مسلط بر رعایای بدبخت ایران هستند آرزو کرد. دوم خبر بسیار خوش و بلکه خوشترین کل اخبار است که در جراید متوالیاً دیده میشود از اهتمام در امور مدارس و علوم که در هر شماره از جراید ایران دیده میشود: مخارج مدرسه خوانسار و بودجه معارف یزد حواله شد، برای تأسیس مدرسه در کردستان اقدام شد، میزان خرج مدرسه شیراز افزوده گشت... الخ. اینهاست که تأثیرات یزدانی است و ایران را براه غلبه باهرمین میرد و اینهاست که ایرانیان دور افتاده را در غربت دلشاد و با افتخار مینماید.

بر عکس این است آنچه دیده میشود از وحشیگریهای هولناک که بقایای دورههای قدیم در گوشه و کنار برای یاد آوری عهد عزیز خان سردار کل و حکام سفاک چهل سال قبل در مثلث کردن مردم قدرت نمائی میکنند. برای این فقره دو قطعه نمونه از جراید ایران را ذیلاً درج میکنیم:

«اعظم السلطنه رئیس کاکاوند ضعیفه ای را بجرم سرقت موزر پستان داغ نموده و انواع و اقسام زجر و اذیت را درباره او مجری داشته است.»

[نقل از روزنامه «رعد» شماره ۱۵۲]

«اصفهان: بر حسب امر سردار جنگ دو نفر از اشرار را در دستجرد و چهار نفر را در کردنه گاوینه کچ گرفتند.»

[نقل از روزنامه «رعد» شماره ۱۴۰، مورخه ۲۹ ذی الحجه ۱۳۳۷]

از طرف دیگر شیوع بعضی عادات غیر مشروع و ظلمانی است که با کمال تأسف دیده میشود بجای زوال بر رواج خود میافزاید. برای مثال این گونه امور خارج از شرع و عقل و تمدن نیز نمونه ذیل را نقل میکنیم:

«استراباد: در این سنوات بواسطه فشار روسها و دماغ سوختگی اهالی چنین عزاداری بر شور و هیجانی در استراباد نشده بود ولی چون طرز دستجات اینجا طرز غربی است و تماماً با چوب و جاقهای عظیم جست و خیزهای فوق العاده میکنند ثقه السلطنه معاون حکومت برای آموختن طرز عزاداری یک دسته دولتی ترتیب داده اند.

... یک زنک بزرگ که گویا ناقوس کلیسیا بوده است تراکه قبل از محرم بطور فاجاق آورده بودند جماعتی آن زنک را برای سقاخانه حضرت عباس بملفی خریداری نموده و بالای درخت چناری که در وسط تکیه واقع است آویخته تا یکی دو روز اوایل محرم زنک را بصدا در آورده که در تمام شهر صدای آن شنیده میشد و چون وصله منهدی و متعلق بخارجه بود حکومت توسط آقا میرزا محمد مهدی مجتهد زنک را توقیف نمود و گویا آقا میرزا محمد مهدی هم خودشان تلگرافی بمقام ریاست وزرا مخابره نموده و تکلیف خواسته اند.»

[نقل از روزنامه «رعد» شماره ۱۵۳، مورخه ۲۰ محرم ۱۳۳۸]

و قتیکه این گونه اخبار شرم انگیز را با آنچه نمایندگان دولت و ملت ایران در خارجه برای احقاق حقوق ایران در مجامع و جراید برای اثبات تمدن بودن ایران و استحقاق او باستقلال و آزادی میگویند و مینویسند مطابقه کنید انسان پیش خود قدری خجل میشود. این

قیح این عمل و برای تصور اینکه چرا باید قتل‌های انفرادی جنایت واقع سبب شده باشد قاتل از طرفی محکوم بقصاص و از طرف دیگر مسلوب از شرف و خارج از اجتماعات نجیب شمرده شود و قتل‌های اجتماعی باعث افتخار پیش آهنگان آن گردیده و نشان شرافت با آنها داده شود چنانکه در قرون ماضی در میان ملل غیر تمدن قتل‌های شخصی هم جزای درستی نداشت.

برای نشان دادن نمونه‌ای از اینکه خیال استیلای ملل دیگر و جنگ و جدال دائمی باعث چه زحمتها و مساعی طولانی برای روی زمین بجهت مدافعه خود شده مقاله ذیل مکتبی از قرون قدیمه بدست می‌دهد که علاوه بر نشان دادن مساعی بشری برای مجادله بدون علت یا همدیگر دارای نوایده علمی نیز هست.

دیوار چین

برگزگترین سنگری که دست بشری در روی زمین برای مدافعه خود ساخته و تا امروز با وجود مرور دهور تقریباً بهمان جسامت اولی خود باقی مانده و دستبرد زمانه در انهدام آن چندان تأثیری نداشته است دیوار چین است.

این دیوار را بزبان مغولی «یاوان کزبا» میگویند یعنی دیوار سفید اما خود چینها آنرا «وان لی چانچونگ»^(۱) یعنی دیوار ده هزار «لی»^(۲) مینامند در صورتیکه در حقیقت طول این دیوار پنج هزار «لی» میباشد که معادل میشود تقریباً با ۴۱۰ فرسنگ^(۳) یعنی تقریباً درست فاصله بین کوه ارارات که متبئی نقطه شمالی (شمال غربی) ایران و چابهار که تقریباً متبئی نقطه جنوبی (جنوب شرقی) ایران است.

از قرار اسنادی که بدست آمده است معلوم میشود که بنای این دیوار در عهد سلطنت خاقان معروف چین شیوانگتی^(۴) که از سنه ۲۰۹ تا ۲۲۱ قبل از میلاد مسیح حکمران بوده است شروع شده است. بر حسب تحقیقات اخیر چنان ظاهر میشود که این دیوار گویا در عهد سلسله پادشاهان مینگ^(۵) که از سنه ۷۷۰ تا ۱۰۵۴ هجری سلطنت رانده اند تعمیر و اصلاح شده است. در بعضی جاها این دیوار را دو سه ردیف یعنی دو سه سلسله دیوار پشت سر هم بنا کرده اند چنانکه در حوالی شهر پکن همینطور است و دروازه معروف کیونگکوان^(۶) هم که بیدنه آن زبانهای مختلف از قبیل سانسکریت و چینی و مغولی و تبتی و چوچی خطوطی نوشته اند در همان حوالی واقع است.

بیشتر از دو هزار سال از تاریخ بنای این دیوار گذشته است و باز هم بنا با استحکامی که اکنون دارد میتوان گفت که چندین هزار سال دیگر هم بهمین وضع باقی خواهد ماند.

بیچیه‌های خود اتحاد و یگانگی با دشمنان ایالتی دیروزی و دشمنی با ممالک تازه ایجاد شده را یاد بدهند و «جوانهارا لباسهای رنگارنگ مخصوص پوشانند برای اینکه بروند همدیگر را بکشند». احصائیات ثابت میدارد که جنگ در هر قرن منظمأ ۴۰ میلیون نفوس را بکشتن داده یعنی هر روزی هزار و صد نفر و در عرض این سه هزار سال که از تاریخ نوع بشر کم یا بیش روشن است تقریباً همان مقداری که امروز کره زمین سکنه دارد همان قدر را هم جنگ از میان برده است و مصارف این آدم کشها فقط در قرن ۱۳ هجرت بالغ بر ۷۰۰ میلیارد فرانک شده است و همین گونه مصارف باعث شده که اغلب ملتها مبالغ هنگفت مقروض شدند چنانکه در سال ۱۳۱۱ فقط ممالک اروپا ۱۲۱ میلیارد فرانک قرض داشتند از قرار ذیل:

| | | |
|--------|----|---------------|
| فرانسه | ۳۲ | میلیارد فرانک |
| روسیه | ۲۰ | » |
| انگلیس | ۱۸ | » |
| ایتالی | ۱۱ | میلیارد فرانک |
| اتریش | ۱۰ | » |
| آلمان | ۹ | » |

و پانزده مملکت دیگر هم معأ ۲۱ میلیارد.

و از اینقرار هر نفر آدمی که متولد میشد از همان دقیقه‌ای که چشم میگشود از قرار ذیل مقروض بود:

| | | |
|-----------|-----|-------|
| فرانسوی | ۹۸۷ | فرانک |
| انگلیسی | ۵۰۰ | » |
| ایتالیائی | ۳۷۵ | » |
| اتریشی | ۲۷۵ | فرانک |
| روسی | ۲۲۰ | » |
| آلمانی | ۲۰۰ | » |

در صورتیکه یک نفر امریکائی چون امریکا مصارف قشون نداشت فقط ۹۰ فرانک مقروض میشد. فرانسه تنها در ظرف ۲۲ سال از ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۹ مبلغ قرضش از ۱۳ میلیارد و نیم فرانک به ۳۱ میلیارد و ۶۶۰ میلیون رسید و در این سال اخیر یعنی ۱۳۰۹ در اروپا ۳،۳۰۰،۰۰۰ نفر قشون تحت سلاح بوده است که هر نفری بمیزان متوسط سالانه ۱۴۴۲ فرانک مخارجش میشده در صورتی که اگر این اشخاص را میگذاشتند عوض اینکه فرآدم کشتی را تکمیل کنند بروند کار بکنند دست کم هر نفر از آنها در سال ۱۰۰۰ فرانک نتیجه کارش میشد.

ولی چنانکه دیده میشود احصائیات فوق راجع است بسیی چهل سال پیش و از آن تاریخ بیعد مدام بر بودجه ممالک و قروض آنها افزوده گردیده است و مخصوصاً در این سالهای جنگ مخارج قشون کشتی و جنگ چنان سنگین شده که تخمین آن هم سخت است و باید منتظر شد تا احصائیات کامل بدست آید.

وضع قتل عام در هیچ عصری و در هیچ یک از جنگهای بزرگ دنیا حتی در استیلای مغول که وحشی ترین اقوام دنیا بودند باین حد که در این عهد دیده شد نرسیده بود و سبب این جنون اجتماعی و عدم اثبات قبیح بدیهی این عمل همانا عادت مصنوعی و تزئین عمدی اطفال است بمقتضای آن و نه یک دقیقه فکر با عقل سلیم کافی است برای درک

(۱) Wanlitschangtschöng

(۲) Li واحد مقیاس طول چینی است که مساوی است تقریباً با ثلث فرسنگ.

(۳) ۲۴۵۰ کیلومتر.

(۴) Schihwangti (۵) Ming (۶) Kuyungkwan

در سال قوی ٹیل ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ مینویسد که متضمن مطالب مفیده است و از آنجائی که در شمارهای دورۀ قدیم کاوہ (۱) تا بحال چندین بار در خصوص شرکت مزبور مقالاتی نوشته شده بود اکنون نیز محض مزید بصیرت خوانندگان راجع بعایدات معادن نفت معدن نفتون (یا معادن نفت بختیاری) که امروزه یکی از منابع مهم ثروت ملکی ایران بشمار میآید از مضمون مندرجات مقالۀ مزبورۀ «تیس» مختصری مینویسیم.

منافع خالص شرکت در سال مزبور عبارت بوده است از ۲،۰۱۰،۸۰۰ لیرۀ انگلیسی در صورتیکه سه سال قبل از آن یعنی در لوی ٹیل ۱۳۳۳-۱۳۳۴ فقط ۱۶،۰۰۰ لیره بوده است یعنی در عرض سه سال ۱۲۵ برابر شده است (عایدات مزبور که نرخ قبل از جنگ در تبدیل بقران بالغ به ۱۲،۰۰۰،۰۰۰ تومان میشود یک ربع هم از تمام عایدات دولتی ایران بیشتر است) و این در صورتی است که هنوز خیلی اسباب کار شرکت مزبور ناقص است و بهمین جهت شرکت میخواهد برای اینکه بتواند مقاصد خود را اجرا نماید سرمایۀ خود را زیاد نموده و تا ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ لیرۀ انگلیسی برساند و مبلغ ۵،۶۰۰،۰۰۰ لیره اسهام از آن بنا بوده در همان دومین دهۀ ربع الاول ۱۳۳۸ بمقام فروش گذاشته شود و البتہ تا بحال تمام شده است. در خصوص مبلغ خسارتی که شرکت مزبور از دولت ایران راجع بخرابی لوله های نفت از جانب عثمانیها مطالبه میکند معلوم میشود هنوز مذاکرات نتیجه ای نبخشوده است. شرکت مزبور که تا سال قوی ٹیل از قرار ۶ و ۸ در صد منفعت بصاحبان اسهام خود داده بود در سال مزبور ۱۰ در صد داده است. صاحب مقالہ در روزنامۀ «تیس» مینویسد که شرکت نفت مذکور همواره کوشش میکند که دستور خود را بانجام رساند و فقرۀ عمدۀ نقشہ خیالی وی این است که شرکت مزبور از شرکتهای نفت اول درجہ دنیا گردد.

علوم و صنایع در آلمان

(۲)

(بقیہ از شمارۀ پیش)

زبان آلمانی

عدۀ مردمی که در روی زمین بزبان آلمانی تکلم مینمایند سیصد کروار میرسد. غیر از ممالک اتریش سابق و روسیہ که کم یا بیش در آنجا مدارس مخصوص آلمانی موجود است در مجموع سایر ممالک اروپا ۸۰ باب مدرسہ آلمانی موجود است. مدارس آلمانی در سایر قطعات روی زمین از این قرار است:

| | | | |
|------------------|-------|------|-----|
| در ممالک آسیا | | ۲۰ | باب |
| » آفریقا | | ۲۴ | » |
| » آمریکا بالغ بر | | ۱۰۰۰ | » |
| » استرالیا | | ۵۰ | » |

(۱) شمارۀ ۲۷ و ۳۰.

چنیها این دیوار عظیم را در طرف شمالی مملکت خود برای دفع استیلای قوم وحشی مغول که جنگ و خویشی را زیاده از حد دوست میداشته اند بنا کرده اند.

سیاح آلمانی موسوم به واژت آگ (۱) در باب دیوار چین چنین مینویسد: «ارتفاع این دیوار یازده الی دوازده ذرع است و عرض آن در طرف قاعدہ ده ذرع است. این دیوار با سنگهای ساق چهار گوش بنا شده و بدون آنکه امتداد آن قطع شده باشد از وسط صحرا و قتل شامخہ کوهها و دره های عمیق میگردد و قسمتی از آن در قلئہ کوهها در میان ابر مستور و ناپدید است. این سد سدید از طرف مشرق بطرف مغرب بمسافتی دور و دراز از ساحل دریای زرد شروع شده و تا وسط صحرای گوبی (۲) در طول تخمیناً ۵۰۰ فرسنگ تمتد است. اگر این مسافت بیدرا در اروپا فرض کنیم از اسکولاند جزیرہ بریتانی شروع شده و میرسد تا بداردانل یا از شبہ جزیرہ قریم تا دریای منجمد شمالی. و حقیقہ طول و عظمت این دیوار انسان را مات و متحیر میسازد که نوع بشر بیچاره برای حفظ جان و مال خود مجبور بچه کارهای فوق العاده ای بوده و هست.

اهرام کبوسین (۳) که بزرگترین اهرام مصر است و بنا بروایت مورخ معروف یونانی هرودوت صد هزار عملہ در مدت سی سال آترا بنا کرده اند و بزرگی حجم آن دو میلیون و نیم متر مکعب است که تمام از سنگ خارا بنا شده است در موقع مقایسه با دیوار چین بنای محقری میشود چه حجم دیوار چین ۳۰۰ میلیون متر مکعب است یعنی ۱۲۰ بار بزرگتر از اهرام مذکور است و از اینرو میشود استنباط نمود که برای ساختن آن چند میلیون نفس در چند سال مشغول بوده اند و افسوس که در این باب تا امروز چیزی از تواریخ و آثار در دست نیست. بعلاوه برای بنای دیوار چین مشکلاتی در پیش بوده که برای اهرام مذکور نبوده است چونکه اهرام بزرگ مصر در یک حوزہ آباد و در جوار رودخانہ بزرگی مثل نیل واقع است در صورتیکه قسمت عمدۀ دیوار چین از میان صحراهای بی آب و علف غیر مسکون میگردد و خدا میداند آن مقادیرهای هنگفت مواد خام را با چه زحمت و مرارت و جانفشانی بقلل کوههای دو هزار ذرعی بالا میرده اند! از اواسط قرن یازدهم هجری که منچوها در چین تسلط و اقتدار پیدا کرده و سلسلہ قدیم مینگ را از حکومت انداخته و بسلطنت دست یافته اند وجود این دیوار دیگر بیفایده شده است و بدردی نمیخورد. در قدیم الأيام مقرر بوده است که صد هزار نفر مستحفظ در بالای این دیوار کشیک میکشیده اند ولی از وقتی که خود منچوها سر کار آمده اند دیگر لزومی بمستحفظ نموده است.

شرکت نفت انگلیس و ایران

روزنامہ «تیس» مورخہ ۸ ربیع الاول ۱۳۳۸ (غرہ دسامبر ۱۹۱۹ میلادی) مقالہ مفصلی در خصوص عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران

(۱) Ernst von Hesse-Wartegg (۲) Gobi (۳) Chéops

زیادی داشت. بعد از دخول دوره ماشین و تأسیس کارخانجات صنایع دستی کم کم از شهرها بطرف قصبهها و دهات کشیده شد و بواسطه اینکه دهاتیان اکثر حواجی زندگی خودشان را خود حاضر میکنند لهذا صنایع دستی در آنها مستمر و بر قرار گردید. بعد از اختراع و رواج ماشین بازار پاره‌ای از صنایع خانگی از قبیل منسوجات و غیره روکسادی گذاشت. بر واضح است که ماشین در مدت کمی امتعه زیاد حاضر میکند و باین واسطه خیلی ارزان تمام میشود. اما از طرف دیگر راههای جدیدی برای صنایع دستی پیدا شد مانند اقسام مختلفه سیدبافی و زینیل سازی و غیره. در سال ۱۳۱۳ هجری عده کارگران خانگی در آلمان مقدار یک کرور نفر بود که حالا نیز همان مقدارها موجود است. پس از این قرار نمیشود گفت که اختراع ماشین صنایع خانگی را از میان برداشته است. در اکثر شهرهای بزرگ آلمان صنایع خانگی فراوان است و قسمت اعظم کارگران را زنان تشکیل میدهند. تمام اطراف کوههای وسطی آلمان مرکز صنایع خانگی میباشد.

در هیرش برگ (۱) بلور و شیشه میسازند. در لاوزیتس برگ (۲) پارچه میسازند و لباسهای حاضر درست میکنند. در اطراف اترس برگ (۳) اسباب بازی اطفال درست میکنند. در شهر آنا برگ (۴) انواع اقسام علاقه بندی حاضر میشود. در پلاون (۵) قلاب دوزی و زر دوزی درست میشود. در محوطه کلینگن تال - اولز نیتس (۶) اسباب و آلات موسیقی درست میشود. در تورینگن (۷) آلات فلزی و افزار آهنی درست میشود. در شهر آپولدا (۸) جوراب میسازند در فیختل برگ (۹) پارچه میسازند. در آشافنبورگ (۱۰) و در فرانکفورت (۱۱) لباس حاضر درست میکنند. در اودن والد (۱۲) کیف و جزوه کش و سایر امتعه چرمی حاضر میکنند.

صنایع چینی سازی و بلورسازی

در آلمان از خاک چینی اعلا گرفته تا خاک سفال و آجر انواع خاک زیاد و فراوان است. در ایالت براندنبورگ (۱۳) چندین کارخانه آجرسازی موجود است. در سال ۱۳۱۵ هجری در ممالک آلمان ۱۵۰۶۶۳ کارخانه آجر سازی موجود بوده است که ۲۱۹۸۶۰ نفر عمه در آن کارخانجات کار میکرده اند.

در سال مزبور در آلمان ۱۹۰ باب کارخانه چینی سازی موجود بوده است. قدیم ترین کارخانه چینی سازی در اروپا کارخانه ایست که در شهر مایسن (۱۴) که در ایالت ساکس واقع است بنا شده است (در سال ۱۱۲۲ هجری). معتبرترین کارخانجات چینی سازی آلمان در تورینگن و در والدنبورگ (۱۵) است. کارخانجات بلور سازی آلمان نیز معروف آفاق است. در سال ۱۳۱۳ هجری در ممالک آلمان ۳۷۱ کارخانه بلورسازی

ترتیب این مدارس بکلی مختلف است چنانکه بعضی از آنها مدارس ابتدائی و پاره دیگر مدارس عالی و بعضی دیگر مدارسی هستند که فقط روزهای یک شبه باز و تدریس میشود و نیز عده‌ای از آن مدارس شبانگه است. در آمریکای شمالی پنج باب دار المعلمین آلمانی موجود است. غیر از اینها که ذکر شد در آمریکای شمالی ۵۰۰۰ باب مدرسه موجود است که در تمام آن مدارس زبان آلمانی تحصیل میشود و در مجموع آن ۵۰۰۰ مدارس تخمیناً ۶۰۰،۰۰۰ نفر زبان آلمانی یاد میگیرند. انگلیسیها و فرانسهها و روسها و بسیاری از ملل دیگر تحصیل زبان آلمانی را در مدارس متوسطه و عالی خود اجباری قرار داده اند و حتی ژاپونها و چینها در دارالعلمهای پایتخت خود زبان آلمانی یاد میگیرند و در دورترین نقاط آمریکای جنوبی بسیاری از سکنه بزبان آلمانی حرف میزنند. دولت آلمان برای مدارسی که در خارج مملکت آلمان تأسیس شده و در آن مدارس زبان آلمانی تحصیل میشود هر ساله مبلغ ۳۰۰،۰۰۰ مارک میدهد.

صنایع و امتعه آلمان

ممالک وسطی اروپا عموماً و مملکت آلمان خصوصاً از یک قرن با اینطرف در تمام شعب علوم و صنایع ترقی شایان نموده است. بواسطه دخول دوره سرمایه داری که در حیات ملل یک طبقه جدیدی بعمل آورده است صنایع آلمان بطور سریع پیش رفت کرده است. جنگهای ناپلیون وضع تشکیلات تجارتنی ملل را تغییر عمده داد و ترتیب انحصار صنایع یک طبقه‌ای که تا آنوقت جاری بود از اساس برکنده شد. هرکسی آزاد گردید که بر وفق میل طبیعی خود هر صنعتی که دلش میخواهد یاد بگیرد. هر شعبه‌ای از صنایع برای خود یک مرکزی میجست که در آن دایره ترقی نماید. سهولت و وفور روابط حمل و نقل از قبیل راه آهن و کشتی در سرعت ترقی صنایع تأثیر زیادی داشت. چه بواسطه سهولت و کثرت وسایل مختلفه حمل و نقل امتعه تجارت بنقطه مقصود زودتر رسیده و ارزانتر تمام میشود. وسعت دایره کشتی رانی در ترقی نمودن امتعه مخصوصاً تأثیر زیادی داشت که در ظرف اندک مدتی امتعه تجارتی را با طراف دنیا میرساند.

در قرن اخیر وضع اداره و تشکیلات حکومتهای اروپا نیز تغییر پیدا کرد. هر دولتی خود را موظف دانست که در امور تجارت بملت خود سرپرستی کند و در طریق تحصیل حواجی آنها هادی باشد. چون انحصار صنایع برداشته و منسوخ گردید دوره رقابت یعنی مسابقه همکاران و همچشمی کارگران شروع گردید.

در مدت جریان بیست سال اخیر صنایع آلمان بطور عموم ترقی زیاد نموده است چنانکه آن مملکت یکی از اولین ممالک صنعتی اروپا و در صف اول شمرده میشود.

در اوایل قرن گذشته که عده کارخانجات معدود بود و ماشین هنوز ترقی زیاد نکرده بود در آلمان صنایع دستی و صنایع خانگی رواج

| | | |
|------------------------|---------------------|----------------------|
| Erzgebirge (۳) | Lausitzer Berge (۲) | Hirschberg (۱) |
| Klingenthal-Ösnitz (۶) | Plauen (۵) | Annaberg (۴) |
| Aschaffenburg (۱۰) | Fichtelgebirge (۹) | Apolda (۸) |
| Brandenburg (۱۳) | Odenwald (۱۲) | Frankfurt a. M. (۱۱) |
| | Waldenburg (۱۵) | Meißen (۱۴) |

در آلمان معادن نمک نیز زیاد است و عمده آن معادن در ایالت ساکس است. در سال ۱۳۱۸ مقدار ۴۰۵۲۲۳۵۸ تن نمک و ۹۸۵۰۰۰۰ تن نمک سنگ استخراج شده است. نمک آلمان بیشتر بممالک هندوستان و هلاند و بلژیک و اتریش حمل میشود.

در راه مصر

از قرار خبری که چندی قبل در جراید آلمان انتشار یافت دولت ایران ورود عمده ای از آلمانیهارا بحاکم ایران تا ده سال غدغن کرده و بمأمورین سرحدات ایران در این باب حکم صادر شده است که از ورود اشخاص مزبور جلوگیری نمایند. این خبر در آلمان باعث خیلی دلگیری و رنجش گردید و جراید آلمان بسیار اظهار تأثر و تخریب از این حرکت دولت بیطرفی مانند ایران کردند که در همه مدت جنگ عالمگیر که کمتر دولتی از دول کوچک و ضعیف توانستند بیطرفی خود را در مقابل فشار و اجبار دول متفق نگاهداشته و مجبور باشنراک در جنگ نگرند و حتی یونان در اروپا و سیام و چین در آسیا نیز بر خلاف اراده و استقلال خود مانند باجگدران اجبار بدخول در جنگ شدند دولت ایران کشتی استقلال رأی خود را تا آخر از این موج کسار برد حالا چگونه میشود که همان دولت بر خلاف بیطرفی و روابط ودادیه میان دو دولت و هم بر خلاف مقتضای مواده عهدنامه آلمان و ایران اقدام باین کار کند و مخصوصاً مواده ۵ و ۶ عهدنامه مزبور منعقد بتاریخ ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۹۰ (۱۱ ژوئن ۱۸۷۳ میلادی) را نیز درج کردند که متضمن آزادی مسافرت اتباع طرفین در ممالک همدیگر است.

ابتدا این خبر بنظر عجیب و دور از تصدیق میآمد لکن طولی نکشید که خبر تأیید شد و معلوم گردید که واقعا دولت ایران در زیر فشار خارجی خود را مجبور دیده که فهرست اسامی را که باو داده شده بسرححدات فرستاده و حکم منع ورود صاحبان آن اسامی را بدهد. چندی بعد صورت اسامی مزبور باین مملکت رسیده و معلوم شد که شامل اسامی ۱۰۴ نفر است که از آن جمله ۷۴ نفر آلمانی و ۱۰ نفر اتریشی و ۱۳ نفر سوئدی و ۵ نفر سویسی و یک نفر عثمانی و یک نفر هم مجهول الهویه است و اگرچه عنوان مسئله راجع باشخصی بوده که در مدت جنگ در ایران بوده و مداخله بر خلاف بیطرفی ایران در تحریکات و اغتشاشات بر ضد دول متفق کرده اند لکن در فهرست مزبور اسامی اشخاصی هم دیده میشود که اصلاً در مدت جنگ بایران قدم نداشتند و مشغول امور ایران نبوده اند مانند هاینکه (۱) تاجر در شیراز که در سنه ۱۳۳۱ از ایران بیرون آمده است و دیگر برگشته و فقط چون موقعی بدست آمده که ریشه تجارت حریف را از ایران بکنند طرداً للباب اسم او و بعضی دیگر از این قیل را نیز داخل کرده اند و همچنین اسم گونت کانتیس (۲) متوفی در فهرست هست که این حکم در باره او اصلاً موضوع ندارد و همچنین بعضی دیگر که تماماً بر خلاف عنوان مذکور سعی داشته اند که از

موجود بوده است که تخمیناً ۴۱۰۰۰۰ عمده در آن کارخانها کار میکرده است. اکثر کارخانهای بلور سازی آلمان در شلزن و در براندنبورگ و در ساکس و در تورینگن است. در سال ۱۳۱۵ در ممالک آلمان ۵۲۵۰۰۰۰ تن (تقریباً ۱۷۵۰۰۰۰۰ خروار) بلور ساخته شده است که ۱۱۵ میلیون مارک ارزش داشته است. در برلن در مایسن و در بامبرگ (۱) چینهای رنگارنگ بسیار ظریف درست میکنند. در سال ۱۳۱۵ در آلمان ۷۸۸۷۸ تن (تقریباً ۲۶۳۰۰۰۰ خروار) چینی ساخته شده است که بالغ بر ۵۲ میلیون مارک ارزش داشته است.

استخراج معادن در آلمان

در خاک آلمان معادن زغال سنگ و معادن آهن و سایر فلزات از قبیل مس و سرب و نیکل زیاد است و هر سال استخراج آنها آسان تر و زیاده تر میشود. معادن طلا و بالخصوص معادن نقره و روی نیز فراوان است. در سال ۱۳۱۹ هجری ۲۰۷۷۵ کیلو گرام (تقریباً ۹۲۵ من تبریز) طلا استخراج شده است که بالغ بر پانزده کروور مارک قیمت داشته است. و در همان سال مزبور ۴۰۳۷۹۶ کیلو گرام (تقریباً ۱۰۳۵۰ خروار) نقره استخراج شده است که شصت و پنج کروور مارک قیمت داشته است. بیشتر از نصف این نقره از ممالک پروسی (۲) بدست آمده است. معادن مس نیز زیاد است و عمده ترین آن معادن در شهر مانسفلد (۳) و در اطراف شهر آرنس برگ (۴) واقع است. در شهرهای آخن (۵) اوپلن (۶) آرمس برگ (۷) و در ویس بادن (۸) معادن سرب زیاد موجود است. معادن نیکل در مملکت ساکس (۹) و در ایالت راین (۱۰) است. در تورینگن معادن آنتیمون زیاد است. قسمت عمده معادن آهن آلمان در اطراف شلزن (۱۱) و در رن سفلی (۱۲) و در ساکس موجود است. از جمله معادن بسیار مهم آلمان معادن زغال سنگ است. بر حسب احصائیه سال ۱۳۱۹ هجری در ممالک آلمان ۱۰۸۰۵۳۹۴۴۴ تن (قریب ۳۲۶ میلیون خروار) زغال سنگ استخراج شده است که ۱۰۰۱۵ میلیون مارک قیمت داشته است. از این مقدار زغال سنگ ۱۵۰۲۶۶۲ تن بخارج حمل شده است و در سال مزبور آنچه از خارج زغال سنگ داخل خاک آلمان شده است ۶۰۲۹۷۰۲۶۷ تن بوده است. پس از این قرار آنچه در عرض یک سال در مملکت آلمان زغال سنگ صرف شده است ۹۹۰۵۷۰۰۵۶۶ تن بوده است که برای هر کسی در عرض یک سال ۱۷۶۶ کیلو گرام (تقریباً ۵۸۹ من تبریز) زغال سنگ میرسد.

آنچه از خارج زغال سنگ داخل آلمان میشود قسمت عمده آن از انگلیس میآید. آنچه از آلمان صادر میشود بیشتر بممالک اتریش و مجارستان و هلاند و بلژیک و فرانسه و سویس و بروسیه حمل میشود.

| | | | |
|------------------|----------------|----------------|-------------|
| Arnsberg (۴) | Mansfeld (۳) | Preußen (۲) | Bamberg (۱) |
| Wiesbaden (۸) | Armsberg (۷) | Oppeln (۶) | Aachen (۵) |
| Niederrhein (۱۲) | Schlesien (۱۱) | Rheinland (۱۰) | Sachsen (۹) |

Kanitz (۲) Alfred Heinicke (۱)

پیش از شروع بذکر آنچه از حال یا آثار او معلوم است باید بگوئیم که مناسبت او با شاهنامه آنست که بنا بر روایت کتاب قابوس نامه تألیف عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر که در سنه ۴۷۰ تصنیف شده ابو المؤید بلخی یک شاهنامه ای داشته چنانکه در آن کتاب عنصر المعالی در خطاب پسرش گیلانشاه گوید «جَدَّتْ مَلِكِ سَمْسِ الْمَعَالِي قَابُوسِ بْنِ وَشْمِغِيرَ الَّذِي أَرْغَشَ فَرَهَادُونَ»^(۱) است و ارغش فرهادوند مَلِكِ گیلان بوده بروزگار کبخسرو و ابو المؤید بلخی ذکر او در شاهنامه آورده ...^(۲) در شرح طبرستان تألیف محمد بن حسن بن اسفندیار که در سنه ۶۱۳ نوشته شده نیز ذکر از یک شاهنامه ای شده که باغلب احتمال اشاره بهمین شاهنامه ابو المؤید بلخی شاعر است چنانکه در آن کتاب گوید «و چنانکه در شاهنامه های منظوم و مثنوی فردوسی و مؤیدی شرح داده شده منوچهر انتقام جد خود ارج را گرفت پیش از آنکه فردون از این دنیا رحلت کند»^(۳). از این جمله استنباط میشود که شاهنامه مزبور تر بوده و اگر در کتیبه یک شاعر بلخی هم که شاهنامه داشته و در کتاب الآثار الباقیه تألیف ابو ریحان بیرونی ذکر آن شده عبارت «وَقَدْ ذَكَرَ أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَلْخِيُّ الشَّاعِرُ فِي الشَّاهِنَامَةِ هَذَا الْحَدِيثَ فِي بَدْوِ الْإِنْسَانِ عَلِيٍّ غَيْرَ مَا حَكَيْتَاهُ»^(۴) نیز فرض سهو استنساخ بتوانیم بکنیم شاید بتوان گفت که آن فقره نیز اشاره بهمین شاهنامه ابو المؤید است که در نسخه های که مأخذ نسخه جانی الآثار الباقیه بوده بکتیبه ابو علی ضبط شده بوده است. ولی این احتمال را فعلاً بواسطه نبودن واسطه تحقیق دیگر باید کنار گذاشت و دو مأخذ سابق الذکر کافی است برای آنکه میان اسم ابو المؤید و شاهنامه و بالتبع میان او و فردوسی مناسبتی اثبات کرد.

یک مناسبت دیگر هم میان ابو المؤید و فردوسی هست و آن این است که پیش از آنکه فردوسی قصه یوسف و زلیخارا بنظم بیاورد ابو

تحریرات برخلاف بیطرفی ایران جلوگیری کنند و بهیچ وجه از جاده صحت عمل خارج نشده و اشتراک در آن اعمال نکرده اند مانند آقای لیتن که کارپرداز آلمان در تبریز بود و از قرار معلوم همیشه سعی داشته است بیطرفی ایران کاملاً محفوظ باشد.

این خبر تأسف انگیز اسباب کدورت روابط دو دولت گردیده و در آلمان صدای اعتراض شدید خیلی بلند شد و هنوز هم این فقره ماده دائمی برای تکرر است. این کار که یقیناً برخلاف میل قلبی اولیای استقلال دولت ایران شده برای ایرانیانی که در خاک آلمان زندگی میکنند و مخصوصاً آنان که در بدو انتشار قرارداد انگلیس و ایران که این ظهورات همه فرع آن اصل است در جراید رسماً اعتراض کردند بسی ناگوار و موجب تأسف است برای آنکه این فقره برخلاف آزادی ایران بوده و می نمایاند که چنانکه نویسندگان انگلیسی در این اواخر در باره قرارداد انگلیس و ایران می گفتند که خوبی و بدی مثال آن بسته بشکل اجرای آن و در واقع بتأویل و تفسیر عملی آن قرارداد است عملاً در اولین قدم تفسیر بسیار نظر زننده و دارای علامت بدی از قرارداد شده و مملکت مالنگ لنگان و بتدریج راه مصر را پیش گرفته است و دوره سالهای اول «احتلال انگلیسی» را بخاطر می آورد که در لندن نطقها دایر بر خلوص نیت انگلیس در باب مصر متوالیاً تکرار و در مصر بتدریج در تقلیل و ازاله علائم حاکمیت عثمانی کوشیده میشد. ما گمان میکنیم هر ایرانی که مقام بین المللی خود را میل ندارد از دست بدهد خواه دوست آلمان بوده و خواه حسیات دیگری داشته باشد برخلاف این اقدام اعتراض خواهد نمود.

مشاهیر شعرای ایران

(۲)

در شماره گذشته در زیر عنوان فوق شرحی راجع بفردوسی و تاریخ زندگی او و شاهنامه بنقل و ترجمه از کتاب «تاریخ ادبی ایران» تألیف استاد ادوارد براون درج کردیم و در نظر بود که در این شماره نیز یک مقاله دیگری راجع بشمه ای از تنبغات و تدقیقات مهم علمای دیگر در همان باب و آنچه خود تو انستیم تحقیق کنیم محض تکمیل فایده و جامعیت این فصل بر آن علاوه کنیم لکن چون مقاله مزبور قدری مطول است و گنجایش این شماره بواسطه مطالب دیگر کمتر است لهذا چنان بنظر رسید که در این شماره مختصری راجع بیک شاعر قدیم دیگر ذکر نمائیم که اگر چه از مشاهیرش نتوان شمرد لکن بواسطه مناسبتی که بموضوع شاهنامه دارد و برای روشن کردن قسمتی از مطالب مقاله شاهنامه که در شماره آینده درج خواهد شد شرح راجع باو از مقدمات مفیده تواند شد شرح مزبور را در زیر همین عنوان درج میکنیم:

شاعر مشار الیه ابو المؤید بلخی است که از قدسای شعرای فارسی و معاصر سلاطین سامانی بوده و از شعرای آن سلسله محسوب میشود.

(۱) این اسم در کتب دیگر با ملاحی دیگر آمده و گویا صحیح ترین آنها «آغش و هادان» یا «آرغش و هادان» است. اولی املاتی است که در مجمل التواریخ [بنقل دخویه و یوستی از آن] ضبط شده و دومی در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف سید ظهیر الدین مرعشی آمده. بقول مجمل التواریخ آغش عموزاده آشاورزان پسر آشاکید است (و هادان و آشاکید برادر بوده اند). تاریخ طبری آغش بن بهدان (یا بهدادان) ضبط میکند و گوید که مادر او زنی بود موسوم به شوماهان که کبیرک سیاوش (سیاوش) بود و اسم آغش را جزو سرداران می آورد که با کبخسرو جنگ افراسیاب می رفتند (شاید آغش معرب آغج باشد). در یک کتاب خطی دیگر که در سنه ۵۴۳ تألیف شده اسم پدر را بهرازان ضبط کرده. در روضة الصفا و هفت اقلیم امین احمد رازی ارغش نوشته شده و عجب آنکه در ترجمه ترکی قابوس نامه [که قطعه ای از آزاداران چاپ کرده] در موقع ترجمه عین عبارت مزبور در متن آغش و هادان ثبت شده و از این معلوم میشود که در نسخه فارسی «قابوس نامه» که مترجم در دست داشته چنین بوده است. شاید مقصود از آرش نیز که در شاهنامه فردوسی اسمش در جزو سرداران کبخسرو در جنگ با افراسیاب ذکر شده همین شخص بوده باشد و همین اسم [آرش] در جاهای دیگر بان طبرستانی نیز داده شده که از رویان تا خراسان در زمان منوچهر تیر انداخت.

(۲) بنقل میرزا محمد خان قزوینی از قابوستنامه در مقدمه کتاب مرزبان نامه.

(۳) نقل از ترجمه تلخیصی ادوارد براون بآنگلیسی ص. ۱۸.

(۴) الآثار الباقیه ص. ۹۹.

المؤید بلخی این کار را کرده بوده و او (یعنی ابو المؤید) اول شاعر فارسی زبان است که این قصه را نظم کرده و پس از وی نیز شاعری دیگر موسوم به بختیاری اهوازی (۱) بوده که دست باین کار زده و فردوسی سومین شاعر است که این قصه مذهبی را برشته نظم کشیده چنانکه خود فردوسی در مقدمه یوسف و زلیخا چنین گوید:

«مر این قصه را پارسی کرده اند
باندازه دانش و طبع خویش
دو شاعر که این قصه را گفته اند
یکی بو المؤید که از بلخ بود
نحست او بدین در سخن باقتست
پس از وی سخن یاف این داستان
نهاده و را بختیاری لقب
بجمله بر مهتران بر شدی
چنان دان که بکره فتاد اتفاق
.....
بدو در معانی بگسترده اند
نه کمتر از آن گفته اند و نه بیش
بهر جای معروف و نهفته اند
بدانش همی خویشان را ستود
بگفتست چون بانگ دریافتست
یکی مرد بد خوب روی و جوان
گشادی بر اشعار هر جای لب
بخواندی ثنا و عطا بستدی
باهواز شد نزد میر عراق
..... (۲)»

از این تفصیل استنباط میشود که ابو المؤید بلخی قبل از بختیاری بوده و اگر حدس رابو (۳) در باب اینکه بختیاری مزبور از شعرای دربار عزالدین بختیار دلیلی از آل بویه (از سنه ۳۵۶ تا ۳۶۷ سلطنت داشته) بوده است صحیح باشد پس ابو المؤید مدتی پیش از آن باید زندگی کرده باشد لکن از خود مقدمه یوسف و زلیخای فردوسی صریحاً معلوم میشود که «امیر عراق» که بختیاری را مأمور نظم قصه یوسف و زلیخا کرد در زمان نظم فردوسی نیز هنوز زنده و پادشاه بوده است چنانکه فردوسی در باره وی گوید:

«خداوند فرخ امیر عراق
.....
که بخشش سپهر ست و اسبش براق
.....
که بخشش همایون و فیروز باد
.....
شیش تا قیامت همه روز باد (۴)»

و امیر مشار الیه همانا بهاء الدوله بن عضد الدوله دلیلی باید باشد که از سنه ۳۷۹ تا ۴۰۳ سلطنت کرده و از سنه ۳۸۰ ببعده اغلب (اگر چه نه مستمراً) اهواز را در قلمرو خود داشت. فردوسی خود نیز ظاهراً قصه یوسف و زلیخارا بخواهش وزیر او موفق (که ظاهراً همان ابو علی [حسن بن محمد] بن اسماعیل موفق اسکافی است) تألیف کرده چنانکه گوید

«شنیدم من آن داستان (۵) سر بر سر
قضارا یکی روز اخبار آن
بنزدیک تاج زمانه اجل
ز من این حکایت بواجب شنید
مرا گهت خواهم که اکنون تو نیز
هم از بهر این قصه ساز آوری
.....
ز نیک و بدش آگه در بدر
همی راندمش بی غرض بر زبان
موفق سپهر وفا و محل
پس آنکه سوی من یکی بنگرید
بیاشی بگفتار و شغلی بنیز
ز هر گوشه معنی فراز آوری
..... (۶)»

و چون فردوسی صریحاً میگوید که بختیاری جوان بود و قتیکه بنظم قصه مأمور شد بعید است که از عهد عزالدوله مانده و زمان بهاء

(۱) اهوازی بودنش بدست نیست فقط دکتر آته او را اهوازی مینامد.

(۲) بیت ۱۶۷ - ۱۷۵ از چاپ آته.

(۳) Rieu (۴) بیت ۱۷۷ و ۱۸۰ از چاپ آته. (۵) یعنی

داستان یوسف و زلیخای بختیاری. (۶) بیت ۲۱۶ - ۲۲۱ از چاپ آته.

الدوله را درک کرده باشد اگرچه نیز ممکن است اواخر حکومت عزالدوله را درک کرده و تخلص خود را نسبت باو داده باشد و چون خود فردوسی هم از این قرار (یعنی بمقتضای نظم قصه برای موفق وزیر) قصه مذکور را باید پیش از سنه ۳۹۰ که تاریخ گرفتاری و حبس موفق بود (که منجز بقتل او در سنه ۳۹۴ گردید) نظم کرده است (۱) و حتی شاید چندین سال پیش از آن تاریخ باین کار دست زده زیرا که منظور آن بوده که موفق آرا پیش وزیر پادشاه برود و از این معلوم میشود که هنوز موفق وزیر نبوده یا بهر حال بالاتر از او و مقدم بر او نیز وزیری دیگر بوده است چنانکه فردوسی از قول موفق مزبور گوید: برم نزد دستور میر عراق که گردانش خیلند و ایران وشاق..... الخ (۲). لهذا فرق زمان میان تاریخ نظم یوسف و زلیخای فردوسی و نظم بختیاری مدت زیادی نمیشود (۳).

از لباب الألباب عوفی که در اوایل قرن هفتم تألیف شده نیز میدانیم که ابو المؤید بلخی از شعرای عهد سامانیان بوده و اسم او در آن کتاب در جزو شعرای آن عهد آمده (۴) بدین قرار: «ابوالمؤید بلخی - بناء معانی بدین مؤید مشید بود و باز و همای معنی در دام بیان او مقید در صفت انگشت معشوقه گوید:

انگشت را ز خون دل من زند خضاب کفی کزو بلای تن و جای هر کس است
عقاب سیم اگر نبودمان روا بود عقاب بر سبیکه سببین او بس است
در مجمع الفصحا تألیف رضا قلی خان هدایت (۵) نیز شرحی در باره ابو المؤید درج است بدین قرار: «ابو المؤید بلخی از حکما و شعرای زمان

(۱) همه این استنباطات مبنی بر آنست که آن قسمت از مقدمه یوسف و زلیخای فردوسی که راجع سبب تألیف کتاب است و ذکر از ابو المؤید بلخی و بختیاری و نظم آنها قصه یوسف و زلیخارا و اسم موفق و امیر عراق در آن آمده و آن قسمت فقط در یک نسخه که در موزه بریطانی محفوظ است موجود و در سایر نسخهها که معروف است تماماً مفقود است اصلی و صحیح فرض شود. و اگرچه این قسمت که در چاپ آته از بیت ۱۶۷ تا ۲۲۳ است در نسخههای دیگر که مبنای چاپ آته و ظاهراً در شش نسخه ای که مبنای چاپ طهران بوده موجود نبوده لکن سیاق مطلب طوری است که احتمال وضع و جعل در آن بسیار بعید است.
(۲) بیت ۲۲۷ از چاپ آته.

(۳) این مطلب که فردوسی شاهنامه را در سالهای اول سلطنت بهاء الدوله تألیف کرده باشد منافی با آن نیست که در دیباچه همان قصه از نظم سابق خودش داستان ملوک ایران را حرف میزند و گوید:

من از هر دری گفته دارم بسی شنیدند گفتار من هر کسی
.....
(بیت ۲۵۱ و مابعد از چاپ آته)

زیرا چنانکه از نسخه های مختلفه شاهنامه و ترجمه عربی آن کتاب معلوم میشود فردوسی نسخه اول شاهنامه را در سنه ۳۸۴ تمام کرده بوده است و همچنین از «میر عراق» که در اهواز بود بعبارت «مر او را خرد بپیر و دولت جوان» سخن میراند و چون بنظر میاوریم که بهاء الدوله در سنه ۳۶۰ متولد شده و سنه ۳۷۹ سلطنت رسیده میتوانیم تصور کنیم که جوانی دولتش بجه عهد تصادف میکند. یک نکته دیگر نیز آن است که در دو جا فردوسی «امیر عراق» مزبور را شهنشا میخواند و بهاء الدوله هم همین خطاب مخاطب میشود.

(۴) لباب الألباب (ص. ۲۶). (۵) چاپ طهران (ص. ۸۱).

دولت سامانیه است باحکیم ابو المثل بخاری معاصر بوده است همانا رونقی
مخلص میکرده از اشعارش چیزی در میان نمانده است از اوست :

جانیت تیغ شاه که دید اینچنین شکفت جان کر او بود تن و جان همه خراب
لرزان بجای گوهر در جرم او بدید جانهای دشمنانش جو ذره در آفتاب
ایضاً له :

نییدی که نشناسی از آفتاب چو با آفتابش کنی مقترن
چنان تا بد از جام گونی که هست عقیق یمن در سهیل یمن

در لغت فرس تألیف اسدی طوسی که ظاهراً کمی بعد از سنه ۴۰۸
تألیف شده است (۱) نیز در مقام استشهاد برای معانی لغت فارسی
در هفت موقع ذکر از اشعار ابو المؤید شده و همه جا بطور
مطلق باسم ابو المؤید ذکر شده بدون اضافه صفت بلخی و بدین
جهت شاید بطور قطع نتوان گفت که اشعار مزبور از ابو المؤید بلخی
است (نه ابو المؤید رونقی بخاری (۲)) ولی چون در استشهاد یکی از
همان لغات در فرهنگ جهانگیری همان شعر عیناً باسم ابو المؤید بلخی
ثبت شده لهذا احتمال میشود داد که در حقیقت از همان شاعر
است و اگر یکی از آن اشعار مال او باشد باقی هم از اوست زیرا که در
لغت فرس اسدی همه جا از یک بو المؤید بطور اطلاق سخن رفته و اگر
مختلف و متعدد بود با صفات دیگر تمیز داده میشد. این است اشعاری
که از بو المؤید در لغت فرس آمده :

۱- در لغت کالوس : کالوس مردم خریط باشد بو المؤید گفت
ملول مردم کالوس و بی محل باشد
مکن نگارا این خو و طبع را بگذار

۲- در لغت سدکیس : سدکیس قوس قزح باشد بو المؤید گفت
میغ مانند پنبه است همی باز نداف
هست سدکیس درونه که درو پنبه زنند

۳- در لغت بش : بش آهن پاره تنگ باشد که بر صندوق ودوات و در
زنند و بسمار بدوزند بو المؤید گفت

از آبنوس دری اندرو فراشته بود
بجای آهن سیمین همه بش و مسمار

۴- در لغت شکاف : شکاف ابریشم بر کلابه زده بود بو المؤید گفت
شکوفه همچو شکافت و میغ دیا باف
مه و خورست همانا باغ در صراف

۵- در لغت خنجک : خنجک خاری باشد که بتازی آنرا شیخ خوانند
بو المؤید گفت

نباشد بس عجب از بختم ار عود
شود در دست من مانند خنجک

(۱) طبع یاول هورن - Paul Horn

(۲) اسم این شاعر و مختصر شرح راجع باو هم باز جداگانه در لباب الألباب
مسطور است. مجمع النصحاء رونقی را مخلص همان ابو المؤید بلخی میدانند.

۶- در لغت نلک : نلک چیزی باشد گرد و سرخ وزرد نیز بود
وترش بود و آلودی کوهی گویندش بو المؤید گفت

صفرای مرا سود ندارد نلکا
درد سرمن بجا شناسد علکا
سوگند خورم بهرچ هستم ملکا
کر عشق تو بگذاختم چون کلکا

۷- در لغت ملک : ملک دانه ایست چون ماش و از عدس مه باشد
گروهی کلوش خوانند بو المؤید گفت

بسا کسا که ندیم حریره و بره است
و بس کسست که سیری نیاید [از] ملکی.

در فرهنگ شعوری نیز در لغت «زاج» این شعر از بو المؤید
منقول است :

دلیری که ترسد زبیکار شیر

زن زاج خوانش نه مرد دلیر.

در باب تاریخ زمان حیات ابو المؤید بصحت و دقت نمیشود چیزی
گفت و فقط مأخذی که برای تعیین تاریخ تقریبی او در دست است بودن
اوست از شعرای عهد سامانی (سلطنت از ۲۹۰ تا ۳۸۹) و تقدمش

بر فردوسی و بختیاری است و علاوه بر اینها اگر حسن اینکه شاید مشار
ایه یکی از مؤلفین شاهنامه منظوری بوده که برای ابو منصور بن عبد
الرزاق طوسی تألیف شده (و ظاهراً همه جا مراد از شاهنامه بطور مطلق
آن بوده) صحیح باشد [چنانکه در مقاله راجع بشاهنامه تفصیلاً ذکر
خواهد شد] در این صورت میشود زمان او را در اواخر نصف اول
قرن چهارم هجری گذاشت. یک نکته دیگر نیز شاید قرینه و مؤید
کشف مطلب بشود و آن شعر شماره (۶) است از اشعار مندرجه در لغت
اسدی طوسی که رباعی است و رباعی بقول بعضی از عروضین از زمان
رودکی باین طرف رایج شده و پیش از آن نبوده پس ابو المؤید بعد
از رودکی متوفی در سنه ۳۲۹ منزیسته است.

آنچه در باره این شاعر و اشعار او گفته شد البته مبنی بر یک تتبع
ناقصی است که فعلاً امکان داشت و اگر تذکره های احوال شعرا و جنگها و
کتب لغت فارسی که شواهد دارند استقراء و استقصاء شود شاید هم مبنی
از اشعار او وهم بواسطه دقت در مضامین آنها قراینی برای احیای تاریخ
حیات او بدست آید.

اوضاع ایران^(۱)

§§ دولت ایران دخول خود را رسماً بمجمع اتحاد ملل اظهار داشته
و شاهزاده فیروز میرزا وزیر امور خارجه که در لندن بود در تاریخ

(۱) قسمت زیادی از این اخبار علاوه بر جراید فارسی طهران از ورقة اخبار
آلمانی موسوم به «اطلاعات انجمن آلمان و ایران» اقتباس شده است.

این سخن را
صورت در آن نام
اولی و علی شاه کما
زیرا تا پیش از تاریخ
دست ۳۰۴ تا آخر
و سایر اشعار است
او سرود در آن تاریخ
کلیه شعرها در دست
از این نام علمی تاریخ
اولی و فیروز میرزا
دست ۳۰۴ تا آخر
از تاریخ فارسی طهران
خود را نیز بدان

§§ احصائیه و فیات شهر طهران با علت وفات مرتباً در جراید آن شهر نشر میشود و از صورت اوقات متعارفی چنان استنباط میشود که مرض غالب و مهلک در طهران ان بیشتر از همه اسهال و حصه و تب و نوبه است.

§§ بعد از استیلای انگلیس بعراق عرب و اختتام جنگ اوضاع بحالت طبیعی عودت کرده و معلوم است از آن جمله اوضاع تردد زوآر بمشاهد نیز پس از تعطیل سالهای جنگ راه افتاده است. این فقره را خدام آن نقاط مثل فضل دولت تازه فرض کرده و رضایت نامه بهر همه صاحبمنصبان مختلف الوظائف از کلیددار و زیارت نامه خوان و غیره در مدح و ثنا و سپاسگذاری دولت انگلیس تمام کرده و در جراید نشر کرده اند. از طرف دیگر در ایران چاوشها و نقش کشها معرکه راه انداخته و مردم را تشویق میکنند که پولشانرا بمجله با آنجا برده و بخزانه داری جدید آن ولایت تحویل بدهند و در سال گذشته در موقع عید اضحی (بنا بروایت جراید ایران) عده زوآر کربلا به ۲۰۰،۰۰۰ نفر بالغ بوده است.

§§ بموجب آنچه جراید فرانسه خبر داده اند وزیر امور خارجه ایران صورتی از خسارات و ضررها و خرابیها که در اثنای جنگ بواسطه مصادمات از دول محارب بدولت ایران و اتباع او در ایران وارد آمده بسفارت ایران در سویس فرستاده که خلاصه آن از این قرار است:

۱- ۳۰۰،۰۰۰ نفر تلفات. ۲- خسارت مالی بدولت و ادارات عمومی ۴،۰۲۲۷،۴۰۷ تومان. ۳- خسارات مالی بافرااد اهالی مملکت ۴۲۶ هزار تومان و کسری.

§§ جمع و خرج (بودجه) وزارت امور خارجه ایران برای سنه بیجی ثیل (۱۳۳۸-۱۳۳۹) که تصویب شده معادل ۶۴۱،۱۲۵ تومان بوده است.

§§ واردات و صادرات خزانه ایران اگر میزان برج اسد گذشته را که در جراید ایران بنظر رسید میزان متوسط قرار داده و مبنای عمل بگیریم در سال به ۹ میلیون تومان عایدات بالغ و مخارج هم به ۱۱ میلیون و نیم در سال میرسد چه واردات و صادرات خزانه داری کل در برج اسد گذشته معادل ۷۸۲،۹۹۷،۳۹۰ تومان عایدات و ۹۵۶،۸۲۴،۳۴۰ تومان مخارج بوده است. در برج سنبله هم عایدات ۳۸۹،۱۸۶،۵۴۵ تومان و مخارج ۹۱۵،۴۷۷،۷ تومان بوده است.

§§ در تجارت ایران از ابتدای جنگ اروپائی باین طرف تغییرات مهمی رخ داده. در سنه ۱۳۳۱ تقسیم صادرات و واردات ایران بممالک مختلفه از این قرار بود: بروسیه ۶۳ در صد، بانگلستان ۲۱ در صد و بسایر ممالک ۱۶ در صد. ابتدا بسته شدن تنگه داردنل بود که تجارت را از راه دریای سیاه با ایران قطع کرده و بیشتر بطرف خلیج

۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۸ بنشی کل آن مجمع سیر اریک درموند (۱) رسماً این مطلب را توشه و تمهید نموده که ایران تمام تکالیف و وظایفی را که بواسطه آن عهدنامه بر عهده اعضای آن مجمع میافتد کما هو حق حاضر است اجرا نماید. بموجب اخبار جراید ایران نمایندگان ایران در آن مجمع بر حسب پیشنهاد وزارت خارجه و تصویب رئیس الوزرا از قرار ذیل خواهد بود: میرزا محمد علی خان ذکاء الملک بسمت ریاست، میرزا محمد علی خان احتشام هایون (که نایب اول سفارت ایران در لندن بود) و عبد العلی خان صدیق السلطنه (وزیر مختار ایران در واشنگتون) بسمت عضویت.

§§ بنا بخر ۱۱ ذی القعدة ۱۳۳۷ نظر بمخواست دولت ایران وزارت عدلیه فرانسه با موافقت و تصویب وزارت خارجه آن دولت یک هیئت اصلاحات عدلیه تشکیل داده که عنقریب بطهران بروند. این هیئت مرکب از ۴ نفر است و در طهران یک مدرسه علم حقوق ایجاد خواهند کرد و علاوه بر این تمیزی و تفتیش دیوانخانه ایران را هم بمعهده خواهند گرفت و هم این هیئت با همدستی وزارت عدلیه ایران یک هیئت شورای عدلیه بنا خواهد کرد.

§§ در یک صحبت عمومی که در ۱۷ ذی الحجه ۱۳۳۸ سرهنگ ناپیر (۲) در باب ایران داده چنین گفت: دو خط راه آهن بسرحه ایران رسیده است یکی از کوتا از راه نوشکی تا دوزاب (قصبه ایست در جنوب ملک سیاه کوه) در مشرق و دیگری از بغداد تا خانیقین در مغرب. علاوه بر اینها یک راه آهن باریک ۵۲ میلی (۱۴ فرسنگ) از بوشهر تا برازجان کشیده شده و یک راه اتوموبیل رو هم از بوشهر تا شیراز درست شده و بکار افتاده است. این راه از شمال گردنه های کتل دختر و پیره زن میگذرد.

§§ در طهران سفیر بلژیک عوض شده و بجای بُورشگر او (۳) که سفیر قدیم بود درموند (۴) منصوب گردیده است و همچنین لوکنت (۵) سفیر فرانسه هم معزول و بجای وی یون (۶) منصوب گردیده است. بجای کنت اریوانیه گتراگا (۷) سفیر سابق ایتالی که در پائیز ۱۳۳۷ خودش را کشت سفیر تازه ای منصوب گردیده موسوم به کاتالی (۸). سفیر روس اتر (۹) هم بیاریس مسافرت نموده و امور سفارت را قونسول ژنرال تبریز بلایف (۱۰) اداره میکند. دولت اسپانی هم سفیر خود دورویرو دوسیت را (۱۱) بدون آنکه جانشینی برای او معین کرده باشد باسپانی خواسته است.

(۱) Sir Eric Drumond

(۲) G. F. Napier - مشار الیه در سنه ۱۳۲۱ مأمور نظامی انگلیس در سفارت طهران بود.

(۳) Burchgrave (۴) Draymond (۵) Le Comte (۶) Bonin (۷) Arrivabene Gonzaga (۸) Guisepe Catalini (۹) v. Etter (۱۰) Belajeff (۱۱) De Romero-Dusmet

تومان و ۳ قران صادرات ایران ب انگلیس میماند. پس دولت انگلیس از ایران قریب چهار میلیون و صد و هفتاد هزار تومان چیز خریداری کرده و در عوض قریب بیست و نه میلیون و هشتصد هزار تومان (تحقیق ۲۹۰۷۷۷۰۸۰۸ تومان و ۲ قران) چیز بایران فروخته یعنی بیشتر از هفت برابر. فعلاً تجارت انگلیس و هند در ایران درجه اول را در میان ممالک خارجه دارد.

سختی اوضاع اقتصادی روسیه و غدغن خارج کردن متاع از آن مملکت بتجارت روس اثر طبیعی خود را کرده و واردات از روس بایران که در سنه میلادی ۱۹۱۶-۱۹۱۷ به ۲۲۰۷۴۱۴۳۵ تومان و یک قران بالغ شده بود اینک در سال گذشته (یعنی سال میلادی ۱۹۱۷-۱۹۱۸) ۱۰۷۴۸۰۲۲۱ تومان و ۵ قران پائین افتاده است. و اگر این نیز در نظر گرفته شود که از این مبلغ اخیر یک قسمت راجع بترقی قیمت اشیاء (نه زیادی جنس و متاع) و قسمت کلی دیگر معادل ۴۹۱۰۰۸۹ تومان و ۲ قران اشیاء و ذخیره جنگی برای قشون روس در ایران و قریب ۸۱۸۰۴۹۸ تومان نقره مسکوک برای همین قشون بوده اهمیت نقصان واردات روس در نظر بیشتر میشود و در حقیقت قیمت امته وارده به ۹۴۳۸۰۶۳۴ تومان و ۳ قران میرسد در صورتیکه در سنه میلادی ۱۹۱۳-۱۹۱۴ صادرات روسیه بایران بمبلغ ۳۵۰۵۸۸۰۸۱۳ تومان و ۸ قران بالغ بود و از این مبلغ ۴۵۱۰۸۵۰ تومان قیمت پول نقره بود. پس صادرات روس بایران بصدی ۲۷ پائین افتاده است و عمده در صادرات قند و نخ پنبه ای و جای و لباس و توتون نقصان پدید آمده است و برعکس در صادرات کبریت و نفت و آهن و فولاد و کاغذ و حیوانات ترقی حاصل شده است.

صادرات از ایران بروسیه در سنه میلادی ۱۹۱۷-۱۹۱۸ بمبلغ ۱۶۲۰۷۶۲۹ تومان و ۳ قران بالغ شده در صورتیکه در سال قبل از آن معادل ۲۹۰۹۴۲۰۹۱۹ تومان و ۶ قران بوده یعنی صدی ۴۶ کتر شده. عمده جهت این نقصان غدغن دولت ایران بود اخراج آزوقه و مواد خام را از مملکت و مخصوصاً خارج کردن مال خشکبار و برنج و پنبه و تریاک و پشم و غله و ابریشم و فرش. ولی از آنطرف در صادرات حیوانات زنده و ماهی تازه یا نمکین تزیاید روی داده چونکه نظامیان روس با وجود غدغن دولت ایران مقدار زیادی از این مالهارا از آذربایجان میبردند.

روسیه که پیش از جنگ در میان ممالکی که طرف تجارت با ایران بودند مقام اول را داشت حالا جای خود را ب انگلیس داده و فعلاً صادرات انگلیس بایران سه برابر صادرات روس است در حالیکه پیش از جنگ نصف صادرات روس هم نبود. مصر حالا درجه سوم را در میان ممالکی که با ایران طرف تجارت هستند دارد و عمده بواسطه صادرات کلی قند است از آن مملکت بایران و صادرات نفت از ایران بمصر که در زمان جنگ پیش آمده است.

فارس برگردانید. بعدها اغتشاش روسیه تقریباً بکلی باعث تعطیل تجارت ایران با آن مملکت شد. منسوجات پنبه ای و سایر امته ای که سابقاً بیشتر از روسیه بایران وارد میشد حالا مقدار کلی آن از هند بطریق ایران بفقاز و ماوراء خزر میروید.

بجهت صعوبت مناقلات بری و بحری میان انگلیس و ایران عته کثیری از تجارتخانهها در بمبئی که سابقاً میان انگلیس و ایران مستقیماً تجارت میکرد بسته شده. تجارت ایران در سالهای اخیر با انگلیس و هند بدین قرار بوده است؛

| | | |
|-------------------------|-------------------------------|-------------------------------|
| در سال میلادی ۱۹۱۳-۱۹۱۴ | با انگلیس .. ۱۳'۰۰۰'۰۰۰ تومان | با انگلیس .. ۱۷'۰۰۰'۰۰۰ تومان |
| در سال میلادی ۱۹۱۷-۱۹۱۸ | با انگلیس .. ۱۰'۴۰۰'۰۰۰ | با انگلیس .. ۱۷'۰۰۰'۰۰۰ |
| | با هند .. ۲۵'۳۰۰'۰۰۰ | با هند .. ۲۵'۳۰۰'۰۰۰ |

معلوم است که پس از راه افتادن کشتی رانی و مناقلات و عودت بحالت طبیعی دوباره توازن طبیعی بعمل خواهد آمد. تجارت با هند دائماً رو بتزیاید بوده برای آنکه تجارت با آن مملکت از راه خلیج فارس تا اندازه ای از تأثیر جنگ آزاد مانده بود. صادرات انگلیس بایران در تمام مدت سال میلادی ۱۹۱۷-۱۹۱۸ بدرجه معتدبه در فزایش بود و مقدار آن در این سال بمبلغ ۳۱'۳۱۳'۶۲۶ تومان و ۶ قران رسید در مقابل ۸'۳۶۲'۱۲۷ تومان و شش قران در سال میلادی ۱۹۱۵-۱۹۱۶. مبلغ ۳'۴۳'۳۰۴ تومان و ۷ قران قیمت اشیائی که از اداره نظامی انگلیس برای قشون آندولت در سواحل خلیج فارس فرستاده شده نیز در حساب سال مزبور داخل است. تزیاید واردات از هند عمده در امته پنبه ای و پشمی، قند (بیشتر از هونگ کونگ)، اسباب آهنی، برنج، آرد، غله، نیل است. بنبوت رسیده که این امته که در سالنامه احصائیه گمرکی ایران بعنوان امته هند انگلیسی ثبت شده اصلاً امته ژاپونی هستند که بهند رفته و از آنجا بایران فرستاده شده است. بدو نکته نیز اشاره لازم است یکی آنکه این زیادی مبلغ واردات بایران را نباید فقط از زیادی امته وارده دانست بلکه ترقی قیمت و گرانی اشیاء نیز در بزرگی مبلغ خیلی دخیل است. دوم آنکه یک مقدار کلی از واردات از سیستان خود ایران از راه هند بایران صادر شده یعنی دور زده و برگشته است.

در سال پیش از جنگ (یعنی سال میلادی ۱۹۱۳-۱۹۱۴) مجموع واردات از انگلیس بایران به ۱۷'۷۹۵'۴۶۰ تومان و ۸ قران بالغ شده بود. حالا این مبلغ مضاعف شده و اینک واردات از انگلیس صدی ۶۳ از مجموع واردات ایران را تشکیل میکند و در این باب انگلیس مقامی را که سابق روس در ایران داشت صاحب شده است. واردات از انگلیس بایران بیشتر از صادرات ایران با آن مملکت است. در سال آخری این فرق صادرات و واردات کتر شده ولی اگر قیمت نفت را که از معدنهای ایران خود انگلیسها اخراج و صادر میکنند و قیمت نقره ای را که میبرند از مجموع صادرات ایران ب انگلیس تفریق کنید فقط ۴'۱۷۴'۶۲۸

تجارتخانه‌های معتبر که ما در شماره‌های آینده اسم و عنوان آنها را اعلان خواهیم کرد داده و فقط قبضی از وصول وجه گرفته و آن قبض را با دارة ما بفرستند که در آن صورت مستقیماً تا یک سال روزنامه با آنها خواهد رسید و محض اطمینان خاطر عامه منظور است که وجوه جمع آوری شده نزد همان تجارتخانه که پول را میگیرد تا شش ماه از سال بماند که بر فرض وقوع حادثه‌ای که موجب تزلزل روزنامه بشود وجوه اشتراک بصاحبان آنها مسترد گردد.

مراعات این ترتیب که‌کی است بی‌شرف کار «کاوه» که نیتش خدمت به علم است در زبان فارسی.

تصحیح

در شماره اول روزنامه «کاوه» (دوره جدید) غلط فاحشی در استساخ روی داده که تصحیح آن از واجبات است و آن این است که تاریخ عربی روزنامه در سرلوحه هم چنین در تاریخ بدو انتشار دوره جدید کاوه در مقاله اول بجای غرة جمادی الأولى سهواً غرة جمادی الآخرة نوشته شده در صورتیکه غرة جمادی الآخرة تاریخ همین شماره دوم است.

این اطلاعات از احصائیه آخری گمرکات دولت ایران که برای سال مالیّه ایران (از نوروز ۱۳۳۵ تا نوروز ۱۳۳۶) ترتیب داده شده اخذ شده است. احصائیه سالانه در ماه دوم پائیز (عقرب) در طهران ترتیب و طبع میشود برای سالهائی که در اول بهار گذشته ختم شده. پس میتوان قیاس کرد که در احصائیه جدیدی که در پائیز گذشته برای سال مالیّه بعد (یعنی از نوروز سال ۱۳۳۶ تا نوروز ۱۳۳۷) ترتیب داده شده است (که هنوز بدست ما نرسیده) فرق فاحش در ترقی تجارت انگلیس با ایران بخیر انگلیس چقدر عظیم خواهد شد.

در حسابهای فوق میزان و مظنه لیره انگلیس را نسبت بتومان ایران هم باید در نظر گرفت که در سال مزبور چقدر بالا بوده و حالا بدو تومان و شش قران پائین آمده است.

§§ کاغذ هائی که از ایران میرسد از اواخر سال گذشته ۱۳۳۷ مهر «سانسور» و نظارت انگلیس را دارد.

§§ عنوان کاغذ هائی که بایران (طهران) نوشته میشود باید بطریق ذیل نوشته شود: Via Boulogne-Tarente et Field Post Office Britannique Batoum-Bakou-Enzeli. Téhéran, Perse. و برای آذربایجان بجای باطوم-باکو بایستی باطوم-تفلیس-جلفا نوشته شود.

اخطار

روزنامه «کاوه» مثل هر متاع دیگر لابد هم طلب و هم معرض پیدا خواهد کرد ولی ممکن است بدبختانه بسیاری از هموطنان ما اصلاً داخل هیچ یک از این دو جمع نباشند و نسبت باین گونه اتمعه بکلی بی‌فید باشند. ماسی خواهیم کرد این گونه مردم را در جرکه طالبین روزنامه خود در آوریم ولی فعلاً هم برای این مقصود هم برای استحکام اساس روزنامه اداره «کاوه» مجبور است بآن دسته اول یعنی طالبین ولو هر قدر کم باشند خطاب نموده و تقاضا کند که ما را در ترتیب ازوبائی توزیع کاوه که پیش گرفته‌ایم تأیید و تشویق کنند یعنی وجه اشتراک را نقداً پیشکی بدهند. اگر چه این ترتیب در ایران رایج نشده ولی باید عاقبت روزی دایر شود که هم اسباب سهولت کار است و هم برای مشتری و فروشنده بی درد سر. ترتیبی که ما میخواهیم پیش بگیریم این است که بهر مشتری جداگانه و مستقیماً بتوان خودش توسط پست روزنامه بفرستیم بدون احتیاج بوکیل و موّزع و محصل وصول پول اشتراک در آخر سال. آنهائی که در فرنگستان هستند میتوانند مستقیماً توسط پست وجه اشتراک را برسانند. از ایران و عثمانی هم مستقیماً میشود بطور حواله بیکی از مراکز مهمه اروپا برات پستی گرفت و فرستاد ولی علاوه بر این ممکن است که پول را بیکی از چهار و یا پنج اداره یا

سلسله انتشارات «کاوه»

ایران آلمان سایر ممالک
قران مارک فرانک

(۱) گنج شایگان

یا اوضاع اقتصادی ایران ۸ ۳۰ ۱۲

(۲) کشف تلیس از روی اسناد محرمانه

انگلیسی در باب ایران ۳ ۸ ۲۰۰۰

(۳) جنایت روس و انگلیس

نسبت بایران ۱۰۰۰ ۱۰۰۰ ۰۰۰۰

(۴) مختصر تاریخ مجلس ملی ایران

..... ۴ ۸ ۲

کتابهای فوق در اداره کاوه بفروش میرسد و بطالین که قیمت را قبلاً بفرستند و یا بطور ادای در موقع تسلیم توسط پست ارسال میشود. کسانیکه خرید کلی کنند و کتابها و شها تخفیف هم داده میشود